

## فصلنامه خط اول

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۸۷

صفحه ۸۷ تا ۱۰۲

### مفهوم‌شناسی دین

زری پیشگر

عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

#### چکیده:

دین پدیده‌ای الهی و ماوراء طبیعی است. دین واقعیتی است ناشی از مبدا الهی، عین ثابت دین در علم (عقل) الهی است. انسان در تمام دوران زندگی خویش به دین نیازمند است. چرا بشر به دین نیازمند است؟ آیا بشر از این نظر که دارای حیات طبیعی و غریزی است به دین نیاز دارد؟ آیا بشر از این نظر که دارای حیات فکری، عقلی است به دین نیاز دارد؟ سبب پیدایش ادیان مختلف چیست؟ انتظار بشر از دین چیست؟ کارآئی و تطابق دین تا چه زمانی است؟ اینها از جمله سؤالاتی است که در این مقاله پژوهشگر به دنبال پاسخ آن بوده است.

**کلیدواژه:** دین، هدایت، سعادت، تطابق و کارآئی دین، انتظار بشر از دین.

**مقدمه:**

برای دین دو محور می‌توان در نظر گرفت: اول محور طولی که از آغاز اندیشه دینی بشر تا روزگار ما کشیده شده، و در همه زمانها و مکانها مقصود مشترکی را دنبال می‌کرده است، مقصودی که به یک قوم ویژه یا تاریخ خاصی منحصر نمی‌شود دوم محور عرضی که به تناسب هر زمان و مکان از آن گوهر اصلی یا محور طولی پدید می‌آید و سبب پیدایش اشکال گوناگون و معانی نسبی تازه و ظاهراً متفاوتی از دین می‌شود. مثلاً از دیدگاه قرآن موسی، عیسی، محمد(ص) و دیگران، همه رسولان یک دین بوده‌اند. معنای «پایه» برای دین همان چیزی است که در محور طولی دیده می‌شود و می‌تواند در همه زمانها، زبانها و مکانها آن را شناسایی کرد، همچنین وجه مشترک تمامی نحله‌ها و مذاهبی است که ما آن را ادیان گوناگون می‌پنداریم. میان هند، مسلمان، مسیحی، یهودی، زرتشتی، معنای مشترک یا گوهر یگانه‌ای از دین را می‌توان نشان داد که برای همه آشنا و خویشاوند خواهد بود، این گوهر یگانه و معنای واحد را به عنوان پایه برای دین تلقی می‌شود، اما معنای نسبی برای دین عبارت است از وجوه افتراق و تفاوتی به ویژه در مناسک و آداب که در میان اقوام و نحله‌های گوناگون دیده می‌شود. این تفاوتها زاده زمان و مکان متفاوت و تلقیهای گوناگون ناشی از آن بوده و می‌باشد. این معنای و تلقیهای گوناگون و متفاوت را به عنوان محور عرضی دین یا معنای نسبی می‌توان قلمداد کرد. ۱.

**تعریف دین**

تعاریف متعددی از دین وجود دارد تی‌یل (۱۸۳۰-۱۹۰۲) می‌گوید که: در حقیقت دین وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت آمیز است که آن را «خشیت» می‌خوانیم. از نظر برادلی (۱۸۶۴-۱۹۲۴) دین بیش از هر چیز کوششی است برای آنکه حقیقت کامل خیر را در تمام وجوه هستی مان باز نماییم و جیمز مارتینو (۱۹۰۰-۱۸۰۵) مدعی بود که دین اعتقاد به خدایی همیشه زنده است، یعنی اعتقاد به اراده و ذهنی الهی که حاکم بر جهان است و با نوع بشر مناسبات اخلاقی دارد. روشن است که هر کدام از این تعاریف ویژگی متفاوتی را مورد تاکید قرار می‌دهند. تی‌یل بر خشیت تکیه می‌زند، برادلی دین را با خیر پیوند می‌دهد، و مارتینو اعتقاد به جنبه‌های اخلاقی یکتاپرستی را مورد توجه قرار می‌دهد.

تعاریف دیگر دین ویژگی‌های خاص دیگر را منظور می‌کنند، ویژگی‌هایی نظیر انجام مناسک، دعا و ارتباط با خدایان، به نظر می‌رسد که هر کدام از این تعاریف حظی از اعتبار و

معقولیت دارند. ادیان بسیار پیچیده هستند. بنابراین شرط عقل آن است که هیچ وجه منفردی را تعریف کامل دین تلقی نکنیم. برای مثال ادیان ابتدایی، نظیر ادیان شمنی وجود دارند که به نظر می‌رسد اعمال خضوع آمیزشان ناشی از ترس یا طمع است، نه ناشی از احساس خشیت ناب، بنابراین تعریف تی یل جامع نیست. همچنین ادیان قائل به چند خدایی (نظیر ادیان یونان، مصر باستان) هم وجود دارند که معتقد نیستند جهان فرمانروای الهی واحدی دارد. بنابراین تعریفی که مارتینو عرضه کرده است نمی‌تواند تمام ادیان را در بر بگیرد. این اشارات مجمل نشان می‌دهد که تعریف دین دشوار است.

با این حال این امکان وجود دارد که باتوجه به ویژگی‌های عامی که در ساختار تمام ادیان، مشترک به نظر می‌رسد، تعریفی کارآمد از دین به دست دهیم. نینان اسمارت این رویکرد را در پیش گرفته و شش خصیصه یا بعد کلی را که به اعتقاد وی در تمام ادیان موجود مشترکند به این ترتیب فهرست کرده است، شعایی، اسطوره‌ای، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و تجربی، بدون شک فهرست اسمارت سودمند است اما خصایص دین را می‌توان به انحای دیگری طبقه بندی کرد.

دین متشکل از مجموعه‌ای اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است این حقیقت را می‌توان برحسب تفاوت ادیان با یکدیگر واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظایر آن تلقی کرد. مع ذلک به نظر می‌رسد که تمام پدیده‌های فرهنگی‌ای که دین می‌نامیم در قالب این تعریف می‌گنجد. ۲. میثم بحرانی، رحمه الله علیه، در تعریف اصطلاحی دین گفته است: دین در اصطلاح و عرف شرع به شرایی گفته می‌شود که از جانب خداوند و به واسطه پیامبران، علیهم السلام، برای بشر آورده شده است. ۳. علامه طباطبایی ره در تعریف دین حق می‌فرماید: روش ویژه‌ای برای زندگی بشر که مصلحت دنیوی انسان را در جهت کمال اخروی و حیات ابدی او برآورده می‌سازد. از این روی لازم است شریعت، در برگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید. ۴.

## کاربرد دین در قرآن

واژه دین در دو حوزه معنایی متفاوت به کار رفته است یکی به معنای داوری حساب، جزا، کیفر، انتقام، و دیگری به معنای عادات، آداب، شریعت و قوانین که مردمان به میل و رضا زندگی خود را مطابق آنها سامان می‌دهند.

از نگاه اغلب مفسران قرآن، واژه دین در آیه شریفه «مالک یوم الدین» به معنای داوری و جزا آمده است. این معنا در حوزه فرجام زندگی است. اما واژه دین در برخی آیات به صورتی آمده است که به ظاهر ربط چندانی با مفهوم داوری و جزا ندارد. به عنوان مثال در آیه «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی» (بقره/۲۵۶) نمی توان برای واژه دین معنای داوری و جزا در نظر گرفت نمونه های متعددی از آیات قرآن را می توان بر شمرده که واژه دین در آنها کاملاً در دو حوزه معنایی متفاوت به کار برده شده است.

### حوزه معنایی

دین به معنای آداب، شریعت، قوانین

۱- لکم دینکم ولی دین (کافرون/۶)

ترجمه: برای شما دینتان و برای من، دین من

۲- الیوم اکملت لکم دینکم و... (۳/ مائده)

ترجمه: امروز دینتان را کامل کردم.

۳- یا اهل الکتاب لا تغلو فی دینکم و... (۷۷/ مائده)

ترجمه: ای اهل کتاب در دینتان زیاده روی نکنید.

۴- انی اخاف ان یدل دینکم او... (۲۶/ غافر)

ترجمه: من می ترسم از اینکه تغییر و تبدیل در دینتان ایجاد شود.

حوزه معنایی

دین به معنای داوری و جزا

مالک یوم الدین (فاتحه/۴)

ترجمه: صاحب روز جزاست.

ان الدین لواقع (الذریات/۶)

ترجمه: قطعاً روزی قیامت برپا می شود.

ارایت الذی یکذب بالذین (معاون/۱)

ترجمه: آیا دیدی کسی که روز قیامت را تکذیب می کرد.

له ما فی السموات و الارض و له الدین و اصبا (نحل/۵۲)

ترجمه: دین و اطاعت همیشه مخصوص اوست.

## ضرورت دین

انسان موجودی حقیقی و مبدا آثار وجودی و عینی است و به شهادت تجربه و برهان، قابلیت و استعداد رسیدن به آخرین کمال خود را دارد. خدای متعال در بذل فیض و بخشش عطایا کوتاهی ندارد. بنابراین بر حسب استعداد هر انسان کمالات مناسبی به او عطا می کند تا استعدادش به فعلیت برسد. نتیجه در صورتی که انسان دارای صفات حسنه و اخلاق پسندیده باشد کمالش سعادت و در غیر این صورت کمالش شقاوت خواهد بود، بدلیل آنکه ملکات و اخلاق انسانی از طریق افعال اختیاری حاصل می شود و فعل اختیاری از اعتقاد به خوبی و بدی و از ترس و امید به منفعت و فرار از ضرر سرچشمه می گیرد، لذا باید آیینی باشد که مردم را با وعد و وعید و ترس و نوید دعوت به سعادت و جستجوی کمال نهایشان نماید، و آن دین است. ۶.

بنابراین دین مجموعه ای از عقاید و اخلاق و احکام و مقررات فقهی و حقوقی است که برای راهنمایی انسان جهت تحصیل سعادت واقعی در اختیار او قرار گرفته است. دین در رتبه اول انسان را از توحش حیوانی خارج و او را وارد حریم انسانی می کند و با پذیرش حیات انسانی و رعایت قوانین الهی و عمل به آن که از طریق وحی آسمانی در دسترس او قرار گرفته، کمالات عقلی و اغراض فطریش تائین می شود. چنین انسانی که از مرحله حیوانی گذر کرده.

و به رتبه عقلانی رسیده زمام گفتار و رفتار عقلانی شده، در این حال نظم و امنیت را حاکم می کند و به دنبال آن عناصر و عوامل تمدن را در چارچوب برنامه ای الهی شکل می دهد. در واقع انسان متمدن

در این معنا انسان الهی است که در تمام اعمال و رفتار اجتماعی و فردی خود با قانون خدا زندگی می کند. ۷.

## فلاسفه اسلامی و ضرورت دین

فلاسفه اسلامی (فیلسوفان مشایی مسلمان) ضرورت دین و نبوت ۱ براساس نیازمندی حیات اجتماعی بشر به قانونی کامل و عادلانه تبیین کرده اند. تبیین برهان آنان که ابن سینا در کتاب اشارات تقریر و محقق طوسی شرح کرده چنین است: ۱\_ انسان به تنهایی نمی تواند به نیازهای طبیعی خود پاسخ گوید، بلکه به مشارکت و همکاری دیگران نیاز دارد، از این رو گفته اند انسان مدنی بالطبع است.

۲- غریزه شهوت و غضب در انسان او را به سودجویی و تعدی به دیگران برمی‌انگیزد و نتیجه آن، اختلال نظم اجتماعی است از این رو حیات اجتماعی انسان نیازمند قانونی عادلانه است، که حقوق و وظایف افراد را تعیین کند.

۳- تدوین این قانون به دست خود مردم، زمینه ساز نزاع و اختلاف است و در نتیجه چیزی که غرض از آن جلوگیری از بروز اختلاف و رفع نزاع است، خود سبب بروز نزاع و اختلاف خواهد بود.

۴- پس قانون گذار باید از ویژگی‌ای برخوردار باشد که او را از دیگران ممتاز کند و اطاعت او را گردن نهند. و او همان پیامبر الهی است که با آوردن معجزه دعوی پیامبری خود را اثبات می‌کند و در نتیجه لزوم اطاعت او بر دیگران آشکار می‌گردد.

۵- انسان‌ها معمولی، اجرای عدل را چندان مهم نمی‌شمارند و بیش تر به تامین منافع خود می‌اندیشند. به عبارت دیگر نیازهای فردی را بر نیازهای نوعی مقدم می‌دارند، از این رو، برای این که آنان به قوانین دینی احترام بگذارند و اجرای آنها را مهم تلقی کنند، پاداشها و کیفرهای اخروی مقرر گردیده است.

۶- توجه به پاداشها و کیفرهای دینی، متفرع بر شناخت خداوند است که پاداش و کیفر اعمال به دست اوست. از این رو شناخت خداوند نیز از معرفت های دینی لازم به شمار آمده است.

۷- برای تحکیم معرفت به خداوند، عبادت‌ها و اذکار و مناسک دینی مقرر گردیده است. ۸.

## تنوع ادیان

جان هیک (۱۹۲۲) نگرشهای موجود درباره تنوع ادیان را به سه دسته تقسیم کرد. دسته نخست انحصارگرایی است. انحصار گرایان معتقدند که رستگاری، رهایی، کمال یا هر چیز دیگر که هدف نهایی دین تلقی می‌شود، منحصر در یک دین خاص وجود دارد یا از طریق یک دین خاص به دست می‌آید. ادیان دیگر نیز حاصل حقایقی هستند اما منحصر یک دین حق وجود دارد، دینی که تنها راه رستگاری و رهایی را پیش روی ما می‌نهد. به این ترتیب پیروان سایر ادیان حتی اگر دیندارانی اصیل و به لحاظ اخلاقی درستکار باشند، نمی‌توانند از طریق دین خود رستگار شوند. ۹. اما دسته بعدی کثرت گرایان هستند اصطلاح کثرت گرایی دینی از نظر پدیده شناسی، صرفاً اشاره به این واقعیت است که تاریخ ادیان نشانگر کثرت

سنن دینی و تنوعات درونی آنهاست، بنابراین نظریه، ادیان بزرگ جهان چیزی جز مفاهیم، دریافت‌ها و پاسخ‌های متفاوت به یک واقعیت اسرار آمیز الهی و غایی نیستند. ۱۰ مطابق نظر کثرت‌گرایان، ادیان همگی می‌توانند مایه رستگاری رهایی یا کمال نفس‌پروان خود شوند، در هندوئیسم نیز تصریح می‌شود که برای نیل به رهایی و رستگاری راه‌های بسیاری وجود دارد البته معیارهایی برای سنجش و ارزیابی مدعیات ادیان وجود دارد. اما این معیارها هنگامی پدید می‌آیند که سنت‌های دینی طی قرون متون مقدس، نظام‌های فکری عظیم، دیدگاه‌هایی نو درباره تجربه انسانی و زندگی‌های مقدس به وجود آورده باشند. ۱۱ شمول‌گرایی‌گرایی بعدی است بر طبق نظریه شمول‌گرایی یک سنت دینی خاص حقیقت نهایی را عرضه می‌کند در حالی که سایر سنت‌ها بدون آنکه بی‌ارزش یا اهریمنی تلقی شوند، جنبه‌ها و رهیافت‌های دیگری را درباره همان حقیقت نهایی منعکس می‌کنند. بنابراین هندوها می‌توانند ادیان دیگر را به عنوان راه‌های بیشماری که به یک واقعیت الهی منتهی شده و آدمی را به برخی از مراحل رشد معنوی می‌رساند تلقی کنند. ۱۲

از یک سو شمول‌گرایان همانند انحصار‌گرایان بر این باورند که تنها راه برای رستگاری وجود دارد و این راه نیز صرفاً در یک دین خاص قابل شناسایی است، البته همه می‌توانند در این راه قدم بگذارند اما تنها به شرطی که به ضوابط مطرح شده در آن دین حق‌گردد بنهند یا در طریق رستگاری بخشی که در آن دین پیش می‌نهد سالکان صادقی باشند. از سوی دیگر شمول‌گرایان همانند کثرت‌گرایان معتقدند که خداوند و لطف و عنایتش به انحای گوناگون در ادیان مختلف تجلی یافته است و هر کسی می‌تواند رستگار شود حتی اگر از اصول اعتقادی آن دین حق چیزی نشنیده و بی‌خبر باشد.

به این ترتیب شمول‌گرایی از انحصار‌گرایی فراتر می‌رود. زیرا به رغم پذیرفتن این مدعای انحصار‌گرایانه که یک دین خاص حق مطلق است، می‌پذیرد که پیروان سایر ادیان نیز می‌توانند رستگار شوند. ۱۳

### معیارهایی برای ارزیابی ادیان

اگر بپذیریم که ادیان مدعیات صدق و کذب برداری را درباره واقعیت مطرح می‌کنند آنگاه نتیجه می‌شود که می‌توان این قبیل مدعیات را مورد ارزیابی عقلانی قرار داد، می‌توانیم با بهره‌گیری از معیارهای منطقی، تجربه انسانی و احیاناً نوعی شهود پرورش یافته، تشخیص دهیم که کدام اعتقادات احتمالاً صادق‌اند و کدام یک احتمالاً کاذب، تنها راه ارزیابی دسته

ای از مدعیات دینی این است که ببینیم این مدعیات تا چه حد معنادار هستند و تا چه حد سایر مدعیات دینی مربوطه متضمن آنها یا سازگار با آنهاست. برای ارزیابی نظامهای دینی از کدام معیارها می‌توان بهره جست؟ کیت یندل (۱۹۳۸) معیارهای زیر را پیشنهاد نموده است.

- ۱- گزاره‌های بنیادین هر دین باید با یکدیگر سازگار باشند.
- ۲- صادق دانستن یک نظام دینی باید با صادق بودن آن نظام سازگار باشد. یعنی اگر صدق یک نظام دینی مستلزم آن باشد، که ما نتوانیم بفهمیم آن نظام صادق است در آن صورت باید در صدق خود آن نظام تردید کرد.
- ۳- صدق یک نظام دینی باید با شروط صدق آن نظام سازگار باشد به عنوان مثال: این مدعا که واقعیت غایبی عاری از هر گونه تمایز است، با این مدعا که گزاره‌های دینی ای که این امر را تعریف می‌کنند، صادق اند نه کاذب، ناسازگار است.
- ۴- در صورتی که تنها دلیل عرضه یک نظام دینی، حل معضل خاص باشد اگر آن نظام در حل آن معضل ناکام بماند دیگر دلیلی برای پذیرش آن نظام باقی نخواهد ماند، به عنوان مثال، اگر هدف یک نظام دینی رفع درد و رنج باشد، اما آشکارا از نیل به این هدف باز بماند دیگر دلیلی برای پشتیبانی از آن نظام باقی نمی‌ماند.
- ۵- حقایق بنیادین یک نظام دینی نباید با دستاوردهای مسجل تناقض داشته باشد (مثلاً دستاوردهای علمی یا روانشناختی)
- ۶- فرضیه‌های الحاقی که برای اجتناب از پذیرش قرائن ناقص یک نظام دینی ارائه می‌شوند در واقع آن نظام را تضعیف می‌کنند.
- ۷- یک نظام دینی باید قابلیت تفسیر و تبیین تجربه‌های غنی و گسترده بشر را داشته باشد. ۱۴

## وحدت و اختلاف ادیان

با وجود همه اختلافات و تفاوت‌هایی که در ادیان موجود است همه آنها انشعابات هستند از دین ریشه‌داری که از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرند. در آیات متعددی از این دین با نامهای «دین حنیف»، «دین اقوم»، «دین اسلام» یاد شده است. این دین همان نوامیسی است که حاکم و قیم بر جوامع بشری بوده و فطرت و خلقت بشر به آن گرایش دارد. خداوند بندگان خود را جز به یک دین که همان اسلام و تسلیم در برابر اوست مکلف نساخته ولی آنان را برای رسیدن به آن هدف به راههای گوناگون هدایت کرده و متناسب با استعدادهای متفاوت



انسانها، سنت‌های مختلفی برایشان تشریح کرده است که آن سنت‌ها همان شریعت‌های نوح و ابراهیم و موسی، عیسی و محمد (ص) است. ۱۵.

در حقیقت یک دین همگانی و سرتاسری الهی، از زمان ادم ابوالبشر (ع) تا به امروز، بیشتر نداریم که نام عمومی آن همان اسلام، به معنی تسلیم در برابر ذات الهی است و این دین و حیانی و آسمانی، مخصوص کسانی است که نسبت به حقایق عالم گوش شنوا و چشم بینا دارند. قرآن شریعت را به معنای اخص و کوتاهتر از دین بکار می‌برد. در آیه ۱۹ آل عمران آمده است: ان الدین عند الله الاسلام، همانا دین در نزد خدا اسلام است.

نیز در آیه دیگر آمده است که « و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین ۱۶. »

هر که جز اسلام دینی بجوید از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است. اگر آیات مذکوره را با این دو آیه ضمیمه کنیم. لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا ۴۸ / مانده برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم. ثم جعلناک علی شریعه من الامر فاتبعها (جائیه). ۱۸ ترجمه: پس ما تو را بر شریعت کامل در امر دین مقرر فرمودیم.

گویا شریعت راهی است که برای هر یک از ملتها و یا پیامبرانی که بدان مبعوث شده‌اند آماده شده، ولی دین یک قانون و راه الهی عمومی برای تمام انسانهاست و از این روی (شریعت) نسخ می‌پذیرد ولی دین به معنای وسیع خود نسخ نمی‌پذیرد. ۱۷.

در جمیع ادیان و ملل حتی آنها که بر مسلک بت پرستی و مجوسیت هستند، هر کدام به نحوی مشتمل بر این دین توحیدی می‌باشند تنها اختلاف در تطبیق سنن دینی با این اصل است. در این تطبیق است که بعضی از راه اصلی و غرض ابتدایی منحرف شده و بعضی به درک واقع موفق شده‌اند. مثلاً بعضی گفته‌اند خدای ما از رنگ گردن به انسان نزدیکتر است و چون چنین است سزاوار است که ما تنها او را عبادت کنیم و بعضی دیگر قائلند که پستی انسان خاکی و فرومایگی او اجازه نمی‌دهد خود را خلاصی داده و به آن خالق ببینند، خاک کجا، خدای پاک کجا؟ لذا اگر در متون ادیان با اغماض از حواشی و پوسته ظاهری آنها دقت کنیم نخواهیم توانست جز همان فطرت توحید و غریزه‌ای که بشر را به سوی توحید توجه می‌دهد چیز دیگری بیابیم. ۱۸.

## ویژگی‌های دین حق در قرآن

دین حق همان دینی است که منسوب به حق است، بدین معنا که حق اقتضا می‌کند انسان

آن دین را داشته باشد و او را به پیروی از آن ملزم می‌سازد. دین حق همان سنت تکوین و طریقه ای است که نظام خلقت مطابق آن است و فطرت بشر او را به پیروی از آن دعوت می‌کند، همان فطرتی که انسان بر آن فطرت خلق شده، و در آن هیچ گونه تغییر و تبدیلی وجود ندارد. ۱۹. از ویژگی‌های دین حق آن است که در سیر حیاتی خود به تعدیل جوامع بشری اهتمام می‌ورزد و به تبع به تعدیل زندگی فردی انسانها می‌پردازد، جوامع بشری را در مسیر فطرت و آفرینش وارد ساخته و باعث حریت و سعادت فطری آنان می‌شود ۲۰ اصل اساسی این دین مبتنی بر این مسئله است که آدمی دارای حیاتی جاودانه است و زندگی او با مرگ خاتمه نمی‌یابد و در آن حیات جاوید سعادت هست که باید آن را با اعتقاد به حق و عمل به آن بدست آورد همچنانکه در آن شقاوتی هست که سزاوار است از آن پرهیز شود. ۲۱.

دین حق در احکام و نوامیسش جز بر عقل سلیم اعتماد ندارد و عقل سلیم انسان را جز به سوی صلاح و اعمالی که باعث تحکیم و انتقام جامعه می‌شود راهنمایی نمی‌کند. ۲۲. همچنین از ظلم و فساد جلوگیری می‌کند و از سلطه‌های ناحقی که بنیان کن اساس سعادت و مخرب پایه حقیقت است، ممانعت می‌نماید ۲۳. به بیان دیگر دین حق همان صراط مستقیم است صراط مستقیم همان راه واضح و روشنی که در آن نه اختلاف است، نه تخلف. ۲۴.

### سلسله مراتب در دین

دین دارای سلسله مراتبی است، واقعیت بیرونی و صوری آن حق مطلب را درباره آن ادا نمی‌کند. درست همانگونه که جهان نمود، مستلزم جهان بود (نفس الامر) است، جنبه صوری دین نیز جنبه غیرمادی و فراصوری را ایجاب می‌کند. در عین حال بعد بیرونی دین با جنبه بیرونی و صوری حیات بشری سرو کار دارد اما چون دین است، فی حد ذاته کافی است تا به انسانی که تابع اصول دین است و به حقایق آن ایمان دارد، امکان دهد تا به حیات کاملاً انسانی رهنمون شود و به رستگاری رسد. اما دین دارای بعدی درونی یا باطنی نیز هست که با امور بی صورت و ماهوی و با وسایلی سرو کار دارد که انسان را در اوضاع و احوال کنونی به ذات برین واصل می‌کند. وانگهی در بافت این تقسیم بندی بسیار عام، مراتب دیگری هم درون امور ظاهری و هم درون امور باطنی وجود دارد به طوری که در مجموع در هر دین تام و تمامی، سلسله مراتبی از سطوح مختلف، از بیرونی ترین تا درونی ترین که همان مرکز برین است، وجود دارد. در دین سلسله مراتبی از رهیافت‌ها به حقیقه الحقایق نیز وجود دارد

که آن را باز می‌توان به نحوی اجمالی به منزله شیوه‌های عمل، عشق و دانش خلاصه کرد. رهیافت‌های مشهوری نظیر کارما مارگا، بهاکتی مارگا و جنانه مارگا در کیش هندو و یا المخافه المحبه و المعرفه در اسلام، به همین ترتیب از منظر دینی، مطابق با این وجوه رویکرد به حقیقه الحقایق در میان پیروان دین یا گونه‌های انسانی، سلسله مراتبی از آنها به جسمانی، نفسانی، روحانی تعبیر می‌کنند.

اسلام هم بین مسلمان، مومن و نیز دارنده فضیلت معنوی یا احسان که در قرآن از آن به محسن تعبیر شده است. تمیز می‌نهد. سلسله مراتب طرق الی الله یا گونه‌های انسانی در سیر و سلوک دینی‌شان، ذاتی طرق یا راه‌های مورد نظر است.

امر فراتر مشتمل بر امر فروتر است به این معنی که هم آن را درک می‌کند و هم آن را در احاطه خود دارد، اما امر فروتر نمی‌تواند آنچه را که فراسوی آن و فوق آن وجود دارد شامل شود. کشمکش درونی بین مکاتب دینی و مسلکها حتی در محیطهای سنتی از همین جا نشات می‌گیرد تمام مراتب دین ارزشمند و از جانب خداست و همه انسانها تنها به شرط تبعیت از دین بنابر فطرت و رسالت خود می‌توانند رستگار شوند. تمام انسانها به یمن انسان بودن، با توجه به امکان توسل به خداوند و سرانجام، رسیدن به قرب ذات الهی برابرنند، بی‌آنکه این برابری سلسله مراتب مذکور را از بین ببرد. یا تمایزات آشکار میان گونه‌های انسانی، استعدادها و توانمندی‌های آنها را از میان بردارد. ۲۵

### انطباق پذیری و کارآیی دین در زمان‌ها و مکان‌ها

چگونه امکان دارد که علیرغم دگرگونیهای وسیع و عمیق در طول تاریخ، یک سلسله احکام که علی‌الغرض در یک مقطع تاریخی خاص قابلیت انطباق داشته و کارآیی نشان داده‌اند مدعی انطباق پذیری و کارایی را در سایر زمان‌ها و مکان‌ها و اوضاع و احوال باشند؟

وجود تحولات و تغییرات قابل انکار نیست، با این همه فرض قرار و ثبات بعضی از نیازهای انسانی فرضی محال نیست. و اگر رشته‌ای از احکام ناظر به برآوردن آن نیازها و خواسته‌های نامتحول و تغییر ناپذیر باشند قرار و ثبات آنها نیز مشکلی پدید نمی‌آورد. آنچه مهم است فهم و کشف این مسئله است که اولاً هر یک از احکام ارزشی برای برآوردن کدام نیاز و خواسته صدور یافته است؟ و ثانیاً آیا آن نیاز هنوز همچنان پا برجاست یا نه؟ حقیقت این است که در هر دین و مذهبی احکام ارزشی هست که برای حل مشکلاتی وضع شده‌اند

مختص زمان و مکان معین، تسری دادن آنها به دیگر زمان‌ها و مکان‌ها به نوعی جمود و تحجر می‌انجامد و به نظر می‌رسد که پیروان هر دین بیش از دو راه در پیش ندارند. یا بدون هیچ گونه نرمش و انعطاف پذیری به حرف و ظاهر جمیع احکام ارزشی ای که بنیانگذار آن دین صادر کرده توسل و تمسک بورزند یا اینکه مدعی همیشگی، همه جایی و همگانی بودن دین و مذهب شان شوند ولی در این صورت برای آنکه ادعایشان مسموع و مقبول خردمندان افتد باید هزینه ای پردازند و آن این است که، برای حرف و ظاهر همه احکام ارزشی مذکور قداست و ثبات قائل نشوند و اگر تاکید می‌ورزند فقط بر روح و باطن آن احکام باشد. خلاصه آنکه هیچ دین و مذهبی نیست مگر اینکه با این دو راهی مواجه است یا دگرگونی نپذیرد و برود یا دگرگون شود تا بماند. برای آنکه ذات دین بماند باید اعراض آن دگرگون شود تا غایات و اهداف عالی دین بماند. چاره‌ای جز این نیست که آلات و وسایلی که روزگاری موصل به آن غایات و اهداف بوده‌اند و امروز نه فقط موصل نیستند بلکه مانع و مزاحم اند جای خود را به آلات و وسایل دیگری بسپارند که در اوضاع و احوال کنونی موصل به همان غایات و اهداف شریف و عالی‌اند. ۲۶

### انتظار بشر از دین

همه انسانها در دوران زندگی خویش همواره خود را در اوضاع و احوالی نامطلوب می‌یابند. زندگی دنیایی آکنده است از دردها و رنج‌های جسمانی و روحی، فردی و جمعی و این واقعیت با چنان وضوح و بداهتی مشهود و معلوم یکایک انسانهاست. امور واقع درد انگیز و رنج آور را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. دسته اول دردهایی است که قابل تغییر هستند و به تعبیری قابل محو و از بین رفتن هستند. دسته دوم این چنین نیستند. اینکه هر امر درد انگیز و رنج آوری متعلق به کدامیک از این دو دسته باشد، بستگی تمام عیاری دارد به زمان، زمانه ای که بشر در آن زندگی می‌کند. به عبارت دقیق تر بستگی دارد به میزان پیشرفت علمی و فکری بشر در هر عصر، امکان دارد در عصری تغییر دادن یک امر واقع در حد وسع بشر نباشد اما در عصری متاخرتر به یمن پیشرفت علوم و معارف بشری آن تغییر مقدور و میسر گردد. به هر حال همیشه آدمی گرفتار درد و رنج بوده و هست. او خواستار خلافت است و اینکه فرصت مجال بسا کارها که می‌خواهد کرد را ندارد آزرده‌اش می‌کند. جاودانه طلب است و واقعیت مرگ (جسمانی) او را می‌آزارد. زیاده‌طلب و به عبارتی بی‌نهایت طلب است، نقصانها و محدودیت‌ها موجب درد و رنج او می‌شوند. تنهاست و از احساس تنهایی در رنج است از

اینکه می‌بیند که از حیث همان سرمایه‌های نخستینی که با آنها پای به جهان گذاشته است با دیگران تفاوت دارد. و کیست آنکه هیچ کس دیگری را از خود پرمایه‌تر نبیند؟ اینهاست بخشی از ماندگارترین موجبات درد و رنج آدمی، اما از طرف دیگر همین درد و رنج‌های ماندگار ممکن است تحمل‌پذیر و هموار شوند، بدین معنا که آنچه در ساخت و لایه‌ای از وجود انسان درد است در ساخت و لایه‌ای ژرفتر و والاتر متعلق رضا و حتی رغبت واقع گردد. اما این امر یعنی تحمل‌پذیری و همواری درد و رنج‌های ماندگار تنها در صورتی امکان وقوع دارد که درد و رنج‌ها معنا بیابند. معنا یافتگی درد و رنج همان و مورد رضا و رغبت قرار گرفتن آن همان. از طرف دیگر نباید گمان برد که اگر انتظار بشر از دین این است که به زندگی معنا دهد بسیاری از احکام و تعالیم موجود در کتب مقدس ادیان مختلف ربطی به معنادار کردن زندگی انسان ندارد، زیرا درست است که ادیان به پرسش‌هایی از قبیل ما از کجا آمده‌ایم، به کجا خواهیم رفت؟ در کجاییم؟ در فاصله بین زایش و مرگ چه باید کنیم؟ و چه باید شویم؟ هم می‌پردازد، اما می‌توان گفت که همه این قبیل مسائل تمهید مقدمه می‌کنند برای جواب آن مسأله عظیم معنای زندگی و درد و رنج. ۲۷

## فواید دین

جامعه‌شناسان در بررسی جامعه‌شناسانه دین، یکی از کارکردهای دین یا فواید آن همبستگی اجتماعی می‌دانند، رابرتسون اسمیت ادعا می‌کند دین دو کارکرد دارد: یکی تنظیم رفتار فردی برای خیر همگان و دیگری برانگیختن احساس اشتراک و وحدت اجتماعی، از این رو مناسک دینی بیان تکراری وحدت و کارکردهایی است که اشتراک اجتماعی را تحکیم می‌بخشد. ۲۸

## صفا بخشی به زندگی

بعضی از جامعه‌شناسان در تحلیل دین می‌گویند، جوهر دین را باید در این واقعیت جست و جو کرد که دین در واقع کنشی در برابر تهدید و بی‌معنایی از زندگی بشری و کوششی برای نگرستن به جهان به صورت یک واقعیت معنادار است. ۲۹

از طرف دیگر زمانی زندگی برای انسان معنا دارد که بداند هدف و معنای آن چیست و برای چه آفریده شده است، در واقع اگر معنا دار که بداند هدف و معنای آن چیست؟ برای چه آفریده شده است؟ در واقع اگر معنای زندگی را در جهت تامین جاودانگی و ابدیت

انسان تبیین کنیم به یکی از عظیم‌ترین و اصلی‌ترین فواید دین دست یافته ایم. از این رو گفته‌اند راز حاجت انسان به دین جاودانه بودن و زندگی اخروی است و اگر جاودانگی مطرح نباشد زندگی لغو خواهد بود. ۳۰

### پاسخ به احساس تنهایی انسان و ایجاد آرامش

یکی از دردهای همیشگی انسان که پیوسته از آن رنج می‌برد احساس تنهایی است. تنهایی انواعی دارد: ۱- تنهایی فیزیکی یعنی انسان در محیطی قرار گیرد که کسی با او نیست. ۲- تنهایی ناشی از اینکه دیگران او را درک نمی‌کنند. ۳- دیگران نمی‌توانند نقایص و ضعف‌های او را برطرف نمایند. ۴- منفعت طلبی و سودگرایی دیگران باعث می‌شود که فرد احساس تنهایی کند. دین و ایمان دینی نقش مهمی در زدودن انواع تنهایی ایفا می‌کند. از این رو انسان مومن و خدا‌باور هیچ‌گاه احساس تنهایی می‌کند زیرا باور دارد که خداوند از رگ گردن به او نزدیکتر است، (نحن اقرب من حبل للورید) ۳۱ خواجه نصیرالدین طوسی. ق/۱۶ در دو کتاب کلامی خود تجرید الکلام و تلخیص المحصل جامع‌ترین بیان درباره فواید دین ارایه کرده است.

۱- تأیید مستقلات عقلی در اموری که عقل مستقلاً آنها را درک و درباره آنها قضاوت و داوری می‌کند. دلیل نقلی آنها را تأیید و تأکید خواهد کرد. ۲- استفاده حکم از مدرکات عقل غیر مستقل، بعثت انبیا از جمله اموری است که عقل مستقلاً آنها را درک نمی‌کند و درباره آنها به استقلال قضا و حکم ندارد، تبیین می‌کند. ۳- انسان با عقل خویش درک می‌کند که خود و آنچه در اختیارش است مخلوق خداست او می‌ترسد که اگر به اطاعت مشغول نشود ممکن است بر ترک طاعت کیفر ببیند. زیرا خودداری از تصرف احیاناً مبعوض خداوند است. از این رو با بعثت انبیا و بیان حدود و فعالیت انسان این ترس و بیم از بین خواهد رفت. ۴- رفع نیاز انسان در شناخت حسن و قبح افعال ۵- شناساندن اشیای سودمند و زیان آور به انسان ۶- حفظ نوع بشری ۷- تربیت و تکمیل انسانها فراخور استعداد آنها ۸- تعلیم صنایع و فنون سودمند، ۹- تعلیم اخلاق و سیاسات ۱۰- بیان ثواب و عقاب اعمال. ۳۲

### نتیجه:

برای دین دو محور می‌توان در نظر گرفت اول محور طولی که از آغاز اندیشه دینی بشر تا روزگار ما کشیده شده و در همه زمانها و مکانها مقصود مشترکی را دنبال می‌کرده

است و دوم محور عرضی که به تناسب هر زمان و مکان از آن گوهر اصلی یا محور طولی پدید می‌آید و سبب پیدایش اشکال گوناگون و معانی نسبی تازه و ظاهرا متفاوتی از دین می‌شود.

دین حق سنت تکوینی و طریقه ای است که نظام خلقت مطابق آن است و فطرت بشر او را به پیروی از آن دعوت می‌کند همان فطرتی که خداوند بر آن فطرت انسان را آفرید. ملاک تشریح دین تنها کمالات مادی و طبیعی نیست بلکه حقیقت وجود انسانی است و اساس قوانینش کمالات روحی و جسمی و سعادت مادی و معنوی است. دین هماهنگ با عالم هستی دارای ظواهر و بواطنی است و انسانها متناسب با درجات وجودیشان در مرتبه ای از مراتب جای دارند.

دین خدا که بر پیامبرانش نازل شده یکی بیش نیست و هیچگونه اختلافی جز اختلاف در اجمال و تفضیل در بین آنها وجود ندارد.

ملاک کارآیی و تطابق دین در جوامع مختلف بشری، پاسخگو بودن دین در مقابل نیازهای اساسی انسان می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای
- ۲- آملی جوادی عبدالله، دین شناسی، چاپ سوم، ۱۳۸۳، نشر اسراء
- ۳- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۰
- ۴- پترسون مایکل، ویلیام هاسکو، بروس ایشناخ، دیوید بازنجر، عقل و اعتقاد دینی، مترجم: احمد نراقی، ابراهیم سلطانی، چاپ قیام، چاپ اول ۱۳۷۶
- ۵- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر الکلام، انتشارات امیر کبیر تهران
- ۶- طوسی نصیرالدین، تلخیص المحصل، شرح اشارت ابن سینا، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۴
- ۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت
- ۸- طهماسبی، علی، دغدغه‌های فرجامین، نشر یادآوران، زمستان ۱۳۷۹
- ۹- ملکیان، مصطفی، راهی به رهایی، نشر نگاه معاصر، چاپ اول ۱۳۸۱
- ۱۰- نصر، سید حسین، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاندراری، موسسه فرهنگی طه، چاپ سپهر، نوبت اول بهار ۷۹
- ۱۱- هیک جان، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، ویراسته بهاء الدین خرمشاهی انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۲ چاپ اول
- ۱۲- همیلتون، ملک، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، موسسه انتشاراتی تیان، چاپ اول ۱۳۷۷

## پی‌نوشت:

- ۱- علی طهماسبی - دغدغه‌ها فرجامین، ص ۱۲
- ۲- مایکل پترسون، عقل و اعتقاد دینی، ص ۲۱ و ۲۰
- ۳- شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۱، ص ۱۰۸
- ۴- محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰
- ۵- پیشین، ص ۷۲
- ۶- محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۰۹
- ۷- جرجی زیدان تاریخ تمدن اسلام، ص ۲۱۹
- ۸- نصیرالدین طوسی، شرح اشارت، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۱
- ۹- مایکل پترسون، عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۰۲
- ۱۰- دکتر همایون همتی، دین شناسی تطبیقی و عرفان، ص ۵۰
- ۱۱- عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۰۶
- ۱۲- دکتر همایون همتی، دین شناسی تطبیقی و عرفان، ص ۲۵
- ۱۳- مایکل پترسون، عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۱۵
- ۱۴- پیشین، ص ۴۲۲
- ۱۵- محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۵۳۴
- ۱۶- سوره آل عمران ۸۵
- ۱۷- محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۵، ص ۵۳۳
- ۱۸- پیشین، ج ۶، ص ۳۰۰
- ۱۹- پیشین، ج ۹، ص ۳۶۹
- ۲۰- پیشین، ج ۳، ص ۴۲۴
- ۲۱- پیشین، ج ۱۷، ص ۵۲۸
- ۲۲- پیشین، ج ۶، ص ۲۳۲
- ۲۳- پیشین، ج ۳، ص ۴۲۶
- ۲۴- پیشین، ج ۱۵، ص ۶۹
- ۲۵- دکتر حسین نصر، نیاز به علم مقدس، ص ۱۱۲
- ۲۶- مصطفی ملکیان، راهی به رهایی، ص ۳۰۵
- ۲۷- مصطفی ملکیان، پیشین، ص ۲۸۴
- ۲۸- ملک همیلتون، جامعه شناسی دین، ص ۱۷۰
- ۲۹- پیشین، ص ۲۳۹
- ۳۰- جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۴۶
- ۳۱- مصطفی ملکیان، پیشین، ص ۴۷
- ۳۲- نصیرالدین طوسی، تلخیص المحصل، ص ۳۶۳